

سرلشکر سلامی: برای نبردهای بزرگ و مواجه سنگین و طولانی آماده شده‌ایم

## فرماندهان آماده باشند

صفحه ۲



تیتیر

های

امر

روز



گزارش «وطن امروز» از دلایل فشار اقتصادی رئیس‌جمهور آتی آمریکا بر کشورهای رقیب و همپیمان اقتصادی

## سرگردنه ترامپ

■ آیا ترامپ با ابزار مالیات، تعرفه و اخراج مهاجران دنبال کاهش بدهی ۳۶ تریلیون دلاری دولت است؟

صفحه ۳

«وطن امروز» از موج جدید واردات خودرو با وجود ناترازی و گرانی ارز گزارش می‌دهد

## ارزسوزی بازار خودرو

■ چرا سیاست تخصیص ارز به بازار خودرو منجر به تنظیم بازار نشد

صفحه ۵

نگاهی به دلایل کاهش میل جوانان به ازدواج و افزایش میزان طلاق که بیشتر حاصل مؤلفه‌های اجتماعی است، نه اقتصادی

### خانواده

### روی گسل مجازی

■ کاهش از دواج و افزایش طلاق نتیجه باج اجتماعی در برابر باگ اقتصادی است

صفحه ۴

هیچ

#### میراث ترودو

نگاه

مهدی گرکانی

جاستین ترودو، نخست‌وزیر و رهبر حزب لیبرال کانادا بالاخره بعد از ۱۰ سال، هفته گذشته اعلام کرد از پست خود کنار خواهد رفت و به این ترتیب راه را برای برگزاری یک انتخابات جدید در این کشور باز کرد. استعفاى ترودو پس از یک دوره اختلاف و تنش با متحدان قدیمی اقتصادی، بی‌اعتمادی و کاهش محبوبیت وی در نظرسنجی‌ها انجام شد. در واقع باید گفت ترودو قبل از اینکه در نشست آتی حزب لیبرال توسط هم‌حزبی‌هایش برکنار شود، پیشدستانه کنار کشید. ترودو در حالی از قدرت کنار می‌رود که هم در سیاست داخلی و هم در سیاست خارجی یک ناکام مطلق و سیاستمداری بی‌میراث شناخته می‌شود. روزنامه گلوب اند میل، جاستین ترودو را نابودکننده اقتصاد کانادا خواند و نوشت: کسب و کارها، اقتصاد و امور پولی و مالی در دوره او به‌شدت آسیب دید. افزایش نرخ تورم، قیمت مسکن، بدهی عمومی و خدمات درمانی نامناسب از دلایل افزایش نارضایتی‌های عمومی از دولت لیبرال جاستین ترودو بود که در نظرسنجی‌های مختلف انعکاس یافته بود.

ترودو به عنوان یک رهبر بی‌میراث، در سیاست خارجی هم هیچ دستاورد خاصی از خود به‌جا نگذاشت. او دنباله‌رو صرف سیاست‌های آمریکا بود اما حتی آمریکایی‌ها نیز برای وی احترامی قائل نبودند. ترودو در یک دهه رهبری کانادا جایگاه سیاسی این کشور را به قدری تنزل داد که دونالد ترامپ برای او از لفظ تحقیرآمیز فرماندار ایالت پنجاهویکم ایالاتمتحده یاد می‌کند و خواستار الحاق این کشور به آمریکا برای محافظت در برابر تهدیدهای خارجی شده است!

در ارتباط با کشورمان، جاستین ترودو یک ضدایرانسی تمام‌عيار بود اما مانند همه سیاستمداران ضدانقلاب ایران، در حالی به پایان کار رسید که به هیچ یک از اهداف خود علیه جمهوری اسلامی ایران دست نیافت! او با استفاده از ابزار حقوق بشر و به بهانه‌های حقوق بشری، اقدامات ضدایرانی گسترده‌ای را در دوره نخست‌وزیری خود اعمال کرد. کانادا بانى اصلی تصویب هر ساله قطعنامه ضدایرانی در مجمع عمومی سازمان ملل به بهانه نقض حقوق بشر است که تازه‌ترین آن همین آبان گذشته تصویب شد که پیشنهاد آن مثل سال‌های قبل از سوی دولت کانادا مطرح شده بود.

ادامه در صفحه ۸

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

# وطن امروز

۱۳۰۰سال و ۱۲۲ روز گذشت

بایدن با اشاره به خسارات ناشی از آتش‌سوزی در کالیفرنیا:

حجم ویرانی‌ها مرا یاد مناطق جنگی می‌اندازد

# لس آنجلس جنگ‌زده

صفحه ۷



### آتش‌سوزی لس آنجلس

### به جریان اصلاحات رسید

صفحه ۲

### نאامیدسازی؛ حربه اصلی آمریکا در جنگ رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران

در سطح جهانی و از طریق رسانه‌های خارجی انجام می‌گیرد. رسانه‌های غربی مانند بی‌بی‌سی فارسی، صدای آمریکا،ایران اینترنشنال و شبکه‌های اجتماعی وابسته به آنها، نقش حیاتی در ایجاد روایت‌های منفی از ایران دارند.این رسانه‌ها معمولاً با تحریف دستاوردها و موفقیت‌های کشور، تلاش می‌کنند تصویری از ناکارآمدی، فساد و ضعف در ایران را به نمایش بگذارند. به‌طور مثال، پیشرفت‌های هسته‌ای ایران که یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای علمی و تکنولوژیک کشور محسوب می‌شود، به‌عنوان تهدیدی برای امنیت جهانی به‌تصویر کشیده می‌شود. همچنین بسیاری از پروژه‌های اقتصادی و صنعتی ایران مانند قراردادهای نفتی، پالایشگاه‌ها و دیگر پروژه‌های زیرساختی، به گونه‌ای نمایش داده می‌شوند که گویا هیچ‌گونه تأثیری در بهبود وضعیت اقتصادی کشور نداشته‌اند.

■ **پروژه‌های حقوق بشری و نقض آزادی‌ها**

در کنار تحریف دستاوردهای اقتصادی، پروژه‌های رسانه‌ای در زمینه حقوق بشر و آزادی‌های اجتماعی نیز بشدت علیه ایران فعال است. در این زمینه، گزارش‌های حقوق بشری که از سوی سازمان‌های بین‌المللی مانند عفو بین‌الملل، آمریکا برای آزادی و دیگر نهادهای غربی منتشر می‌شود، با هدف تخریب تصویر ایران در عرصه جهانی و فشار بر دولت برای تغییر سیاست‌های داخلی‌اش عمل می‌کنند.

این کمیته‌ها بیشتر بر نقض حقوق بشر، سرکوب آزادی‌های اجتماعی، محدودیت‌های رسانه‌ای و زندانی شدن مخالفان تمرکز دارد. رسانه‌ها و سازمان‌های فعال در این زمینه با بزرگ‌نمایی برخی مسائل مانند برخورد با معترضان، فعالیت‌های اپوزیسیون و فعالان سیاسی، عمومی مردم ایران استفاده می‌کنند. استفاده از مردم در شرایط سخت و سرکوب قرار دارند و هیچ‌گونه آزادی سیاسی یا اجتماعی در کشور وجود ندارد.

■ **بحران‌های داخلی: از تحریم‌ها تا اعتراضات خیابانی**

یکی دیگر از ابعاد اصلی جنگ روانی علیه ایران،

بهره‌برداری از بحران‌های داخلی و خارجی است. تحریم‌های اقتصادی که در نتیجه سیاست‌های خصمانه آمریکا علیه ایران اعمال شده، یکی از منابع مهمی است که در این کمپین‌ها به‌طور مکرر به آن پرداخته می‌شود.

رسانه‌های غربی از هر فرصتی استفاده می‌کنند تا بحران‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از این تحریم‌ها را به‌عنوان اثبات ناکارآمدی سیستم حکومتی ایران به‌تصویر بکشند. افزایش بیکاری، تورم، کاهش قدرت خرید مردم و مشکلات اقتصادی در سطح جامعه به‌طور مداوم توسط رسانه‌های دشمن برجسته می‌شود. علاوه بر این، کمپین‌های رسانه‌ای علیه ایران گاهی اوقات از اعتراضات و نارضایتی‌های اجتماعی به‌عنوان ابزاری برای افزایش بحران‌ها استفاده می‌کنند. این رسانه‌ها بویژه در مواقع بحران‌های اقتصادی، بیماری‌های فراگیر یا اعتراضات عمومی، تلاش می‌کنند نارضایتی‌های اجتماعی را بزرگ‌نمایی کرده و در عین حال، موفقیت‌های داخلی در مواجهه با این بحران‌ها را نادیده بگیرند یا تحریف کنند. به‌طور مثال، در زمان شیوع بیماری کرونا در حالی که ایران اقدامات قابل توجهی در زمینه تولید واکسن داخلی و مدیریت پاندمی انجام داده بود، رسانه‌های غربی سعی کردند ضعف‌های سیستم بهداشتی کشور را برجسته و بحران را به‌عنوان ناکارآمدی حکومتی معرفی کنند.

■ **جنگ شناختی و عملیات سایبری علیه ایران**
جنگ شناختی و عملیات سایبری علیه ایران، بویژه در دنیای دیجیتال امروز، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دولت آمریکا و سایر کشورها از ابزارهای سایبری و رسانه‌های دیجیتال برای ایجاد اختلال در ذهنیت عمومی مردم ایران استفاده می‌کنند. استفاده از ربات‌ها و حساب‌های جعلی در شبکه‌های اجتماعی، برای پخش اطلاعات نادرست، اخبار جعلی و دامن زدن به تنش‌های اجتماعی، یکی از روش‌های رایج در این جنگ شناختی است. این فعالیت‌ها معمولاً با

سینمای جهان در سال ۲۰۲۴ نیز

شیب نزولی فروش در سال‌های اخیر را طی کرد

## این سینما نمی‌فروشد

صفحه ۸

VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.42291 SUN.JAN.12, 2025 | ISSN:2008-2886

#### تعطیلی‌های مکرر

#### و چالش مدیریت انرژی

یادداشت روز

مرتضی عزیزاده

در سال‌های اخیر، تعطیلی‌های مکرر در ایران به یکی از موضوعات بحث‌برانگیز تبدیل شده است. این تعطیلی‌ها که به دلایل مختلفی از جمله کمبود منابع انرژی و شرایط آب و هوایی اتخاذ می‌شود، نه‌تنها تأثیرات منفی بر زندگی روزمره مردم دارند، بلکه به‌عنوان یک راه‌حل پایدار برای مدیریت انرژی نیز به‌شدت مورد نقد قرار می‌گیرند.

یکی از دلایل اصلی تعطیلی‌ها، کمبود برق و انرژی در فصل‌های گرم سال است. در این زمان، مصرف برق به‌طور چشمگیری افزایش می‌یابد و زیرساخت‌های موجود قادر به تأمین این نیاز نیستند. عموماً هم دولت‌ها به جای اتخاذ تدابیر بلندمدت و پایدار برای حل این مشکل، به تعطیلی‌های مکرر متوسل می‌شوند. اما از آغاز به‌کار دولت چهاردهم تعطیلی به دلیل کمبود برق به فصل سرد نیز سرایت کرده که این رویکرد نه‌تنها از مشکلات موجود نمی‌کاهد، بلکه باعث ایجاد نارضایتی عمومی و کاهش کیفیت زندگی شهروندان نیز می‌شود.

تعطیلی‌ها بیش از هر چیز بر عدم برنامه‌ریزی مناسب در زمینه مدیریت منابع انرژی دلالت می‌کنند. اگر دولت به جای اتخاذ تصمیمات کوتاهمدت، به فکر توسعه زیرساخت‌ها و افزایش ظرفیت تولید برق باشد، می‌تواند به‌طور مؤثرتری با بحران‌های انرژی مقابله کند. سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر، مانند انرژی خورشیدی و بادی، می‌تواند راه‌حلی پایدار و مؤثر باشد که هم نیازهای فعلی کشور را تأمین می‌کند و هم در حفظ محیط‌زیست نیز مؤثر خواهد بود.

از سوی دیگر، تعطیلی‌ها تأثیرات اقتصادی جدی بر کسب‌وکارها دارند. بسیاری از کارگاه‌ها و کارخانه‌ها مجبور به توقف فعالیت خود می‌شوند که این امر می‌تواند منجر به کاهش تولید، بیکاری و افزایش قیمت کالاها شود. در واقع این تعطیلی‌ها می‌تواند چرخه اقتصادی کشور را مختل کند و به نارضایتی عمومی دامن بزند. در شرایطی که کشور با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کند، اتخاذ تصمیماتی که به افزایش بیکاری و کاهش تولید منجر شود، می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری را در پی داشته باشد. علاوه بر این، تعطیلی‌ها برای نظام آموزش و پرورش کشور نیز تبعات منفی دارد. مدارس و دانشگاه‌ها در زمان تعطیلی‌ها مجبور به تغییر برنامه‌های آموزشی خود می‌شوند که این امر می‌تواند بر کیفیت آموزش نیز مؤثر باشد. دانش‌آموزان و دانشجویان ممکن است در یادگیری خود دچار اختلالاتی شوند که طبعاً نظام آموزش و تربیت کشور را در بلندمدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نکته دیگری که لازم است مورد توجه قرار گیرد، نارضایتی عمومی ناشی از این تعطیلی‌هاست. مردم به دلیل عدم ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در برنامه‌های روزمره خود دچار سردرگمی و استرس می‌شوند. این موضوع می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی نسبت به دولت منجر شود و احساس ناامیدی را در جامعه گسترش دهد. در چنین شرایطی، دولت باید تلاش کند با ارائه راهکارهای منطقی و پایدار، مجدداً اعتماد مردم را جلب کند.

مجموعه این مقدمات به ما نشان می‌دهد دولت به جای توسل به تعطیلی‌های مکرر، باید به دنبال راهکارهای بلندمدت برای مدیریت انرژی باشد. ایجاد زیرساخت‌های مناسب، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین و استفاده از منابع تجدیدپذیر می‌تواند به‌عنوان راهکارهایی مؤثر برای حل بحران انرژی پیگیری شود. علاوه بر این، اطلاع‌رسانی مطلوب و شفاف به مردم درباره وضعیت انرژی کشور و برنامه‌های دولت می‌تواند به کاهش نارضایتی‌ها کمک کند.

به‌طور کلی، تعطیلی‌های مکرر راه‌حلی پایدار برای مدیریت انرژی نیست و تبعات منفی گسترده‌ای بر زندگی روزمره مردم، اقتصاد و آموزش دارد. دولت باید با اتخاذ تدابیر جامع و منطقی، دنبال راهکارهایی باشد که علاوه بر تأمین نیازهای فوری، به توسعه پایدار کشور نیز کمک کند. در این راستا، تدابیر کلیدی متعددی وجود دارد که نخستین و مهم‌ترین آن، تنوع‌بخشی به منابع انرژی است. سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر مانند انرژی‌های خورشیدی و بادی می‌تواند وابستگی به سوخت‌های فسیلی را کاهش دهد تا کشور در حوزه انرژی به سمت آینده‌ای پایدارتر حرکت کند.

از طرفی، بهینه‌سازی مصرف انرژی نیز در شرایط فعلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که این باره با آموزش عمومی و تشویق صنایع به استفاده از فناوری‌های نوین، می‌توانیم مصرف انرژی را به‌طرز چشمگیری کاهش دهیم. علاوه بر این توسعه زیرساخت‌های انرژی نیز باید در دستور کار قرار گیرد. در این رابطه نوسازی شبکه‌های توزیع و انتقال انرژی هم تلفات را کاهش می‌دهد و هم امکان بهره‌برداری بهتر از منابع تجدیدپذیر را فراهم می‌کند.

ادامه در صفحه ۸